

# اهداف تربیت از دیدگاه معصومین (علیهم السلام)

دکتر لطفعلی عابدی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

## چکیده

یکی از ارکان مهم هر برنامه تربیتی هدف آن است. با توجه به اینکه هدف بر آینده اقدامات تربیتی ناظر است، متناسب با گستره زمانی مورد نظر، انواع گوناگونی از اهداف را می‌توان در نظر گرفت. یکی از دسته‌بندیها، اهداف را به سه دسته غایی، کلی و آموزشی (جزئی) تقسیم کرده است. براساس این طبقه‌بندی، هر نظام تربیتی یک هدف غایی و تعدادی هدف کلی و تعداد بسیار زیادتری اهداف آموزشی دارد؛ به عبارت دیگر هر چه از هدف غایی به سوی گونه‌های دیگر اهداف پیش می‌رویم از میزان ابهام و کلیت آنها کاسته شده بر تعداد، میزان عینیت و قابلیت اجرای آنها افزوده می‌شود. هدف غایی در تربیت اسلامی دستیابی انسان به رشد و کمال است که افق و دورنمای کلی تمامی اقدامات تربیتی را تعیین می‌کند. در راستای این هدف غایی از تعدادی اهداف کلی می‌توان نام برد که مراحل واسطه دستیابی به این هدف غایی، و عبارت است از پرورش قوه تعقل و استدلال، پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت، قصد قربت و اصلاح و تهذیب نفس. این مقاله در روشن‌سازی مهمترین اهداف تربیتی اسلام از قرآن کریم، منابع روایی و کلام معصومین علیهم السلام بهره گرفته و در حد اختصار به آنها پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: اهداف تربیتی، تربیت اسلامی، هدف غایی تربیت، فلسفه تربیت

## مقدمه

هدف، نقطه‌ای است که هر فعالیت یا پدیده به سوی آن در حرکت است و چنین انتظار می‌رود که رسیدن به آن نقطه، تکامل آن فعالیت یا پدیده را به دنبال داشته باشد. از جمله فعالیت‌های اساسی در حیات انسان، اقدامات تربیتی است که به منظور شکوفاسازی استعداد‌های نهفته در وجود آدمی و رسانیدن وی به رشد و کمال انجام می‌پذیرد. در اقدامات تربیتی، هدف را می‌توان «وضع نهایی و مطلوبی تلقی کرد که به طور آگاهانه سودمند تشخیص داده شده برای تحقق آن فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌پذیرد» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۶: ۵). اطلاع از اهداف تربیتی می‌تواند در هدایت اقدامات تربیتی، ایجاد انگیزه در متربیان، و تدارک معیاری برای ارزیابی آن اقدامات سودمند واقع شود.

البته هدفداری، خاص انسان نیست و تمام جهان خلقت و تک تک پدیده‌های آن در مسیر خود هدفی را تعقیب می‌کنند. این هدف از سوی خالق جهان و به منظور ترقی و تکامل آنها در نهاد پدیده‌ها قرار داده شده است. روشن است که آفریدگار جهان از عیب و نقصان عاری است و مراد از جعل هدف برطرف کردن نارسایی خداوند نیست، بلکه مراد، تکامل موجودات و رسانیدن آنها به کمال وجودی ایشان است. انسان برای رسیدن به هدف نهایی خلقت، که رسیدن به مقام والای خلافت الهی است، باید مسیر تربیت را طی بکند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که هدف اصلی تربیت انسان، که از سوی خالق و برای تکامل وی مقرر شده است، قرب به خدای تعالی و رسیدن به مقام جانشینی خداوند در روی زمین و در نهایت رسیدن به آن چیزی است که خداوند از خلقت نوع بشر اراده کرده است.

مهمترین اهدافی که در این نوشته مورد بحث قرار می‌گیرد، عبارت است از: رشد

و کمال، پرورش قوه تعقل و استدلال، پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت، قصد قربت و اصلاح و تهذیب نفس. البته نویسنده به هیچ وجه مدعی نیست که تمامی اهداف تربیت را از دیدگاه ائمه معصومین (علیهم السلام) بررسی کرده، اما می‌توان گفت که به مهمترین و اساسی‌ترین آنها در حد توان اشاره شده است.

### نگاهی اجمالی به اهداف تربیت

از آنجا که تربیت، فرایندی مستمر است و هر لحظه به ایجاد حالتی پس از حالت دیگر اقدام می‌شود تا مرتبی به کمال مورد نظر نایل شود، رسیدن به هر مرحله و حالت می‌تواند نقطه مطلوب تصور شود و نقش هدف را ایفا کند. تنها پس از رسیدن به هر مرحله و حالت است که هدف و مرحله بالاتری اهمیت می‌یابد و انسان را به تلاش و کوشش برای رسیدن به آن برمی‌انگیزد. این سیر سلسله مراتبی تا دستیابی به هدف نهایی فرایند تربیت ادامه دارد. با توجه به این سیر سلسله مراتبی در متون تربیتی، مراحل و طبقه‌بندیهای مختلفی برای اهداف ذکر شده است. یکی از طبقه‌بندیها، که با موضوع این مقاله تناسب بیشتری دارد، تقسیم اهداف به سه دسته غایی، کلی و آموزشی است. در این دسته‌بندی هر چه از هدفهای غایی به سوی هدفهای کلی و سپس به طرف هدفهای جزئی پیش برویم، تعیین هدفها با توجه بیشتر به واقعیت صورت می‌گیرد و ضرورتاً از درجه کلیت آنها کاسته می‌شود تا در سطح کلاس درس به تصور جاپایی برای هر قدم که قرار است شاگرد زیر نظر مربی بردارد، تبدیل می‌شود (شکوهی، ۱۳۷۳: ۱۲۱).

در سلسله مراتب اهداف تربیت، هدف غایی به منزله قله رفیعی است که اگر چه رسیدن بدان با توجه به بعد مسافت و اثر ابرهای تیره که از هر سو آن را فرا گرفته و

از نظر پنهان کرده است، بعید می‌نماید، رسیدن بدان لافل در عالم خیال قابل تصور است و این تصور به نسبتی که از قوه تصور نیرومندی برخوردار باشیم مشوق عمل و اقدام است (شکوهی، ۱۳۷۳: ۱۲۱). در مقابل، اهداف کلی به منزله منازلی است که گذشتن از آنها شرط لازم وصول به مقصد نهایی است. در عین حال برای رسیدن به هر یک از این منازل باید برنامه‌ریزی کرد؛ به تعیین اولویتها، تجهیز امکانات، تهیه وسایل و تدارک زاد و توشه راه پرداخت و بالاخره هدفهای جزئی (آموزشی) گامهایی است که با واقع بینی تمام برای قطع هر یک از منازل برداشته می‌شود.

این مقاله با توجه به دسته‌بندی ذکر شده، ضمن جستجو در منابع معتبر روایی اسلام و بیانات پیامبر گرامی و ائمه معصومین علیهم‌السلام یک هدف غایی و تعدادی هدف کلی را برای فرایند تربیت در اسلام مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. لازم به ذکر است که در مورد اهداف تربیت در اسلام دسته‌بندیهای مختلفی مطرح شده است که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود: شریعتمداری (۱۳۶۰) این موارد را به عنوان اهداف تربیت در اسلام برشمرده است: ۱- تقوی ۲- تعلیم حکمت ۳- پرورش روح عدالت‌خواهی ۴- تکامل انسان ۵- پرستش خدا ۶- برادری و همکاری ۷- پرورش نیروی تفکر و قدرت عقلانی ۸- پرورش روح اجتماعی. حسینی (۱۳۷۲) برای فرایند تربیت در اسلام سه هدف را بیان کرده است: ۱- حرکت به سوی کمال ۲- عنایت به مسائل و خدمت به مخلوق ۳- برخورد با جهان طبیعت و بهره‌برداری از آن. احمدی (۱۳۶۸) برای تربیت هشت هدف را برشمرده که عبارت است از: ۱- پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی انسان، ۲- حرکت و سوق دادن انسان به سوی خدا ۳- آگاه کردن انسان از پایگاه خویش در جهان ۴- پرورش قدرت تشخیص از طریق مشاهده تجربه، تفکر و تعلیم ۵- پرورش

روح حقیقت جویی ۶- پرورش افرادی مؤمن، متقی و عامل به خوبیها ۷- ایجاد روح برادری، برابری، تعاون، احسان و ایثار ۸- پرورش روحیه تلاش، کوشش و مبارزه با فقر.

باقری (۱۳۸۰) ضمن دسته‌بندی اهداف تربیت به دو دسته تحت عنوان اهداف غایی و اهداف واسطی، اهداف غایی را چنین بیان می‌کند: ۱- هدایت و رشد ۲- طهارت و حیات طیبه ۳- تقوی ۴- قرب و رضوان ۵- عبادت و عبودیت. نامبرده ضمن استناد به آیاتی از قرآن کریم، هدف غایی از خلقت انسان را عبادت می‌داند و اظهار می‌کند که «تربیت انسان باید رسیدن به این غایت را میسر سازد» (باقری، ۱۳۸۰: ۵۹). وی معتقد است که «سایر اهداف غایی مطرح شده تنها شئونی از همین هدف غایی (عبودیت) تلقی می‌شوند و با آن تنها اختلاف حیثی دارد و اگر عبودیت را از حیث رسیدن آدمی به مقصد، مورد نظر قرار دهیم، می‌توانیم آن را هدایت و رشد بنامیم...» (باقری، ۱۳۸۰: ۶۱).

نگاهی اجمالی به دسته‌بندیهای ذکر شده نشان می‌دهد که دستیابی به هدایت و رشد به عنوان هدف غایی فرایند تربیت در همه آنها به گونه‌ای مورد اشاره و توجه بوده است و دیگر اهداف را نیز می‌توان به عنوان اهداف کلی یا واسطی مورد توجه قرار داد. نکته‌ای که ذکر آن در اینجا لازم به نظر می‌رسد این است که مبنای دسته‌بندی و بیان هدف غایی و هدفهای کلی (واسطی) فرایندی است که به طور عمدی و عالمانه و برای ایجاد تغییرات لازم در متریان طراحی و تدوین شده است. به این لحاظ در این مقاله، دستیابی به رشد و کمال به عنوان هدف غایی در نظام تربیتی اسلام و پرورش قوه تعقل و استدلال، پرورش روحیه جمعی و احساس مسئولیت، پرورش اراده و قصد قربت و اصلاح و تهذیب نفس به عنوان اهدافی در

طول هدف غایی ذکر شده، مورد بحث قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که رشد و کمال، هدفی است که در همه مکاتب تربیتی به گونه‌ای مورد توجه و عنایت بوده و به گفته شکوهی غایت تربیت کمال مطلوبی منطبق با حقیقت انسان است و آدمیان را به صورت فردی و اجتماعی، صرف نظر از شرایط زمان و مکان شامل می‌شود. از افلاطون تا مونتینی و از مونتینی تا روسو هیچ نظریه تربیتی معتبری نیست که رسالت انسان را در تحقق ذات خویش ندانسته باشد (شکوهی، ۱۳۷۳: ۱۲۶). تحقق ذات چیزی نیست الا رسیدن به رشد و کمال مطلوب و مورد نظر اسلام در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، عقلایی و عاطفی.

با توجه به دسته‌بندی ذکر شده ابتدا هدف غایی تربیت یعنی دستیابی به رشد و کمال مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن سایر اهداف به گونه‌ای که در این مقاله مختصر میسر باشد، معرفی می‌شوند.

### ۱- رشد و کمال

کلی‌ترین و عمده‌ترین هدف جریان تربیت در اسلام، رسانیدن انسان به مرحله و مقامی است که شایستگی رسیدن به آن را دارد و خدای تعالی توانایی و امکان بالقوه رسیدن به آن را در وجود بندگان خویش قرار داده است. این مرحله و مقام را هر چه بنامیم، مستلزم جریان‌ی است که می‌توان آن را جریان «رشد» یا «کمال» نام نهاد. بین واژه‌های رشد و کمال در عرف عام تا اندازه‌ای تفاوت وجود دارد به طوری که واژه کمال دارای بار ارزشی بیشتری است و اغلب در بحث از امور معنوی و مثبت به کار می‌رود و حال اینکه مراد از واژه رشد، مطلق افزایش است و بیشتر به جنبه‌های کمی ناظر است و گاه می‌تواند خلاف جهت ارزشهای پذیرفته شده نیز به کار رود مثل هنگامی که از رشد جرائم سخن گفته می‌شود. درحالی‌که کلمه کمال، اغلب

درمورد امور پسندیده و مطلوب به کار می‌رود.

هدف نهایی جریان تربیت در اسلام را می‌توان رسیدن به رشد و کمال دانست و بقیه هدفهای تربیت در مقایسه با این هدف نهایی در زمره هدفهای واسطه‌ای قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر هر یک از آنها به منزله پله‌هایی از یک نردبان بلند و رفیع است که نام پله آخر آن را می‌توان «رشد و کمال» نهاد؛ اگر چه ممکن است برخی از این مراحل و پله‌ها نسبت به بقیه از اهمیت و برتری بیشتری برخوردار باشد. با این تعبیر می‌توان مراحل یا پله‌ها را وسائلی برای رسیدن به رشد تلقی کرد.

از آنجاکه این مقاله با هدف بررسی نظریات و دیدگاه‌های معصومین علیهم‌السلام درمورد هدفهای تربیت به رشته تحریر درآمده در تمامی مراحل سعی خواهد شد بیشتر به بیانات این بزرگواران استناد شود و فقط در مورد رشد و کمال، که به عنوان هدف اصلی در اینجا مطرح می‌شود به آیاتی از قرآن کریم استناد خواهد شد؛ هرچند بررسی اهداف تربیت در قرآن کریم خود مبحث جداگانه‌ای است که پرداختن بدان در عین سودمندی و ضرورت در فرصت و مجال این نوشته نمی‌گنجد.

واژه رشد در قرآن کریم به معنای هدایت شدن به راه درست و صحیح و آنچه مدنظر خدای متعال بوده، آمده است؛ اگرچه در برخی موارد نیز معنای رشد عقلی و قوه تمیز خوب از بد اراده شده است.

در سوره مبارکه کهف از زبان اصحاب کهف چنین می‌خوانیم: ... رَبَّنَا آتْنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هَيِّءْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ... (کهف/۱۰) ترجمه: بارالها تو در حق ما به لطف خاص خود رحمتی عطا فرما و برای ما وسیله رشد و هدایت کامل مهیا ساز. در این آیه شریفه رشد به معنای کمال و رسیدن انسان به آنچه از خلقت وی

مدنظر بوده آمده است و آنان از خداوند خواسته اند که شرایط کمال را برای آنان فراهم بکند و مسلماً خداوند متعال به دلیل آگاهی بر لوازم و شرایط کمال، بالاترین مرجعی است که می‌توان دست توسل و نیاز به سوی وی دراز کرد و رشد فقط در صورتی حاصل می‌شود که مرضی خداوند و در جهت خواست و مشیت حضرت حق باشد.

در مورد اینکه خداوند بهترین هدایت‌کننده و مرشد بندگان است در آیه ۱۷ همین سوره مبارکه چنین می‌خوانیم: ... من یهدالله فهو المهتد و من یضلل فلن تجدله ولیا مرشداً ... (کهف/۱۷) ترجمه: هر کس را خدا راهنمایی کند او به حقیقت هدایت یافته است و هر که را گمراه گرداند دیگر هرگز برای چنین کسی یاور و راهنمایی نخواهد بود.

در سوره مبارکه بقره، کلمه رشد به معنای رسیدن به سعادت و دستیابی انسان به آنچه برای کمال وی متصور است به کار رفته و راه رسیدن به این سعادت، اجابت دعوت پیامبران و ایمان به خدای متعال دانسته شده است. در آیه‌ای که متضمن این مفهوم است چنین آمده است: ... و اذا سألک عبادی عنی فائی قریب اجیب دعوةالداع اذا دعان فلیستجیبوالی و لیؤمنوابی لعلم یرشدون ... (بقره/۱۸۶) ترجمه: چون بندگان من از من از تو پرسند، (بدانند که) من به آنها نزدیک خواهم بود. هر که مرا خواند دعای او را اجابت کنم، پس ماهیت دعوت مرا (پیامبران مرا) بپذیرند و به من بگروند؛ باشد تا به سعادت راه یابند.

در سوره مبارکه جن نیز گرویدن به اسلام تنها طریق رسیدن به سعادت و رشد و کمال تلقی شده است به طوری که می‌خوانیم: ... و انا منا المسلمون و منا القاسطون فمن اسلم فأولئک تحرو رشداً (جن/۱۴) ترجمه: از ما جنیان (هم چون آدمیان) بعضی



مسلمان (و بی‌آزار) و برخی کافر و ستمکارند. آنان که اسلام آوردند برآستی به راه رشد و ثواب شتافتند.

آیات مذکور نمونه‌ای از آیات مربوط به رشد و سعادت در قرآن کریم است. به طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که هدف از بعثت انبیا و فرستادن آنان، فقط و فقط رشد و سعادت انسان بوده است. در این معنا رشد آن مرحله و مقامی است که خداوند متعال و خالق انسانها به عنوان آخرین درجه تکامل برای ایشان در نظر گرفته است و لذا رشد و کمال را می‌توان هدف غایی نظام تربیتی اسلام به شمار آورد. در این مقاله به دلیل اینکه موضوع مورد بحث بررسی روایات معصومین است به همین چند آیه شریفه بسنده می‌شود و به بحث درباره روایات مربوط می‌پردازیم.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که ملاک اقدام انسان در هر کار و فعالیت قبل از هر چیز تدبیر در عاقبت آن است به طوری که اگر آن کار موجبات رشد و سعادت او را فراهم می‌کند آن را انجام می‌دهد و در غیر این صورت از آن پرهیز می‌کند. مشروح روایت ذکر شده در این زمینه چنین است: عن ابی عبدالله (ع) قال: إن رجلاً اتى النبي (ص) فقال يا رسول الله اوصني، فقال له رسول الله فهل انت مستوص إن اذا اوصيتك حتي قال له ذلك ثلاثاً و في كلها يقول الرجل، نعم يا رسول الله، فقال رسول الله (ص) فإني اوصيتك اذا انت هممت بامر فتدبر عاقبته، فان يك رشداً فامضه و إن يك غياً فانته عنه ... (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۲۸۱) ترجمه: امام صادق علیه‌السلام فرمود: مردی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت ای رسول خدا به من سفارشی کن. حضرت به او فرمود آیا دستورپذیر هستی تا به تو سفارش کنم و این سؤال را سه بار تکرار کرد. مرد درخواست کننده در هر سه بار جواب داد بلی ای رسول خدا. آن‌گاه پیامبر فرمود: سفارش من به تو این است که هر وقت خواستی برای کاری اقدام نمایی قبلاً به عاقبت آن فکر کن. اگر موجب رشد است اقدام کن و اگر

برخلاف حق و رشد بود از انجام دادن آن خودداری نما.

از دید رسول اکرم (ص)، رشد و حرکت به سوی کمال و سعادت، هدف زندگی و تربیت انسان است و هر فردی باید همواره مترصد این باشد که آیا توانسته است گامی را در این جهت بردارد یا خیر. این مهم، انسان مؤمن را به ارزیابی مکرر و مداوم از نفس خویش و رفتارهای خویش وامی دارد به طوری که نتایج ارزیابی نشان بدهد سیر او به سوی کمال تا چه اندازه بوده و احتمالاً در این جهت چه نقصانها و کمبودهایی داشته است. آن حضرت در مورد ضرورت ارزیابی از رفتار و لزوم رسیدن به کمال چنین می فرماید: من اعتدل یوماه فهو مغبون ... (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۸۱) ترجمه: هر کس دو روزش مساوی باشد مغبون است؛ یعنی اگر انسان در طی دو روز متوالی گامی برای کمال بردارد و در یک مرحله و مقام بماند، زیان کرده است. زیانی که در نهایت باعث می شود او از جریان رشد و کمال عقب بماند و دچار خسران بشود.

مولای متقیان حضرت علی (ع) رسیدن به رشد و کمال را هدف اساسی تربیت فرد می دانند و در نامه وزین و بسیار با ارزش ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزند بزرگوار خویش امام حسن مجتبی (ع) مرقوم فرموده اند (نامه ای که مشحون از نکات و مضامین اخلاقی و تربیتی است) آرزو می کنند که خداوند به یادگیرنده در رسیدن به رشد کمک بکند. لذا روشن می گردد که رسیدن به رشد هدف مهم و بزرگی است که این همه برای رسیدن به آن به درگاه حضرت حق دعا و توسل شده است. آن بزرگوار در نامه مذکور چنین می نویسد: ... و رجوت ان یوفقک الله فیہ لرشدک ... (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۶۷) ترجمه: امیدوارم که خداوند تو را در راه رشدت کمک کند.

حضرت علی (ع) در مورد طریقه شناخت رشد از غیر رشد روشی را پیشنهاد

می‌کنند که می‌تواند توسط همه افراد و با هر میزان دانش و اطلاعات به آسانی به کار گرفته شود. ایشان ملاک تشخیص رشد را مقایسه فرد رشدیافته با فرد رشدنیافته می‌دانند و چنین می‌نویسند:

... واعلموا انکم لن تعرفوا الرشد حتی تعرفوا الذین ترکہ ... (فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ج ۳: ۴۴۱) ترجمه: بدانید که هرگز روش رشد و تکامل را نمی‌شناسید تا افرادی را که این روش را ترک کرده‌اند، بشناسید.

به علاوه آن بزرگوار یکی دیگر از راه‌های تشخیص رشد از غیر رشد را تکیه بر عقل و استدلال می‌دانند و چنین می‌فرمایند: ... کفاک من عقلک ما اوضح لك سبل غیک من رشدک ... ترجمه: عقل (که تکلیف می‌آورد) کافی است که راه‌های حق و باطل را به شما نشان دهد (شهیدی، ۱۳۷۷: سخن ۴۲۱: ۴۲۷).

از قول امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده می‌خوانیم که آن حضرت از خداوند متعال می‌خواهند که همواره در طریق رشد و کمال قرار داشته باشند و در صحت و درستی آن دچار شک و تردید نشوند. آن بزرگوار چنین می‌فرمایند: ... و متعسی بهدی صالح لا استبدل به و طریقه حق لا ازیغ عنها و نیه رشد لا اشک فیها ... (امام سجاده (ع)، ۱۳۷۶: ۹۲) ترجمه: مرا از رستگاری شایسته بهره‌مند کن که آن را عوض نکنم و به راه حقی که از آن بیرون نشوم و به قصد صواب و درستی که در آن شک نکنم.

به علاوه امام صادق (ع) و امام رضا (ع) نیز بر ضرورت ارزیابی مکرر و مراقبت بر جریان رشد تأکید دارند. از جمله امام رضا (ع) می‌فرمایند که شرط مسلمان بودن، مراقبت دائمی نفس و رسیدگی به حساب اعمال خویش است به گونه‌ای که هر انحراف جزئی از مسیر رشد را کشف کرده، قبل از فوت وقت، دوباره خویش را به

مسیر رشد و کمال بازگرداند. آن بزرگوار چنین می‌فرمایند: ... لیس مئا من لم بحاسب نفسه فی کل یوم ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۵۳) ترجمه: آن کس که همه روزه به حساب خویشتن رسیدگی نکند از ما نیست. همین عبارت با اندکی تغییر از امام صادق (ع) نیز نقل شده است؛ لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که رشد، جریانی پویا و مداوم است و انسان در هر روز و هر لحظه باید به سیر صعودی و کمالی خویش ادامه بدهد و این مهم و رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت حرکت تنها و تنها از طریق ارزیابیهای مکرر و دقیق امکانپذیر است.

## ۲- پرورش قوه تعقل

همان‌طور که گفته شد هدف اصلی نظام تربیتی اسلام، پرورش انسان مطلوب و رسانیدن او به رشد و کمال مطلوبی است که از خلقت وی مدنظر بوده و استعداد چنین رشدی نیز در وجود او نهاده شده است. انسان در راستای حرکت به سوی این هدف، نیازمند گذار از مراحل استفاده از ابزارهایی است که به لحاظ اهمیت می‌توان آنها را نیز در زمره اهداف فرعی تربیت اسلامی جای داد به طوری که رسیدن به آنها راه را برای دستیابی به اهداف اصلی هموار می‌سازد و نقش آنها چون پله‌های نردبان است که تا یک مقطع زمانی نقش هدف را ایفا می‌کند و در مقطع زمانی دیگر فقط نقش ابزار و وسیله را ایفا خواهد کرد.

یکی از مهمترین و برجسته‌ترین نکاتی که در زمینه تربیت در قول و تقریر معصومین علیهم‌السلام مشاهده می‌شود، موضوع عقل، تفکر و پرورش قوه تعقل در افراد مسلمان است به طوری که می‌توان از تأکید فراوان آن بزرگواران چنین استنباط کرد که پرورش قوه تعقل از جمله اهداف مهم در نظام تربیتی اسلام است. عقل از نظر ائمه معصومین و پیامبر اکرم (ص) موهبت خدادادی است که موجبات رسیدن

انسان به کمال و قبولی طاعات و عبادات و در یک کلام، سعادت و رشد انسان را فراهم می‌کند. انسان مؤمن باید با پرورش و تکیه بر تعقل از این موهبت الهی، حداکثر استفاده را ببرد. پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد (ص) در مورد اهمیت عقل و فضیلت تعقل و پرهیز از جزم‌اندیشی و نیز تدبر در فلسفه و علت انجام عبادات چنین می‌فرماید: ... ما قسم الله للعباد شیئا افضل من العقل، فنوم العاقل افضل من سهر الجاهل و اقامه العاقل افضل من شخوص الجاهل و لابعث الله نبیا و لارسولا حتی یستكمل العقل و یكون عقله افضل من جمیع عقول امته و ما یضمّر النبی فی نفسه افضل من اجتهاد المجتهدین و ما ادی العبد فرائض الله حتی عقل عنه و لا یبلغ جمیع العابدین فی فضل عبادتهم ما بلغ العاقل و العقلاء هم اولوالالباب. الذین قال الله تعالی و ما یتذکر اولوالالباب (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۲) ترجمه: پیغمبر فرمود: خدا به بندگانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده، زیرا خوابیدن عاقل از شب بیداری جاهل بهتر است و در منزل بودن عاقل از مسافرت جاهل (به سوی حج و جهاد) بهتر است و خدا پیغمبر و رسول را جز برای تکمیل عقل مبعوث نسازد (تا عقلش را کامل نکند مبعوث نسازد) و عقل او برتر از تمام عقول امتش باشد و آنچه پیغمبر در خاطر دارد از اجتهاد مجتهدین بالاتر است و تا بنده‌ای واجبات را به عقل خود در نیابد آنها را انجام نداده است. همه عابدان در فضیلت عبادتشان به پای عاقل نرسند. عقلا همان صاحبان خردند که درباره ایشان فرمودند: تنها صاحبان خرد اندرز می‌گیرند.

مولای متقیان علی (ع) در بیان دلایل بعثت انبیا پس از ذکر بیداری فطرت انسانها و یادآوری نعمتها از برانگیختن و روشن‌سازی عقلهای پنهان شده نوع بشر سخن می‌گویند. گو اینکه رمز انسان شدن بنی آدم و رسیدن وی به کمالات و مدارج والا تنها از طریق تکیه بر تعقل و استفاده کامل از نعمت والای عقل امکانپذیر است و تنها پس از طی این مرحله است که انسان توانایی درک عظمت و قدرت خالق را پیدا

می‌کند. آن حضرت در این زمینه می‌فرماید: ... فبعث فیهم رسله و واتر علیهم انبیائه لیستادوهم میثاق فطرته و یدکرواهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یشیروالهم دفائن العقول و یروهم آیات المقدوره... (دستی، ۱۳۷۹: ۳۸) ترجمه: خداوند رسولانی را در آنها برانگیخت و پیامبرانی را پی‌درپی فرستاد تا عهد و پیمان خدا را که در فطرت آنها بود بطلبند و به نعمت فراموش شده یادآوری کنند و از راه تبلیغ با ایشان گفتگو کنند و عقلهای پنهان شده را برانگیرند و به کار اندازند و آیات قدرت را به ایشان نشان دهند.

امام باقر علیه‌السلام از زمان خلقت قوه تعقل توسط ذات باری تعالی سخن گفته، ملاک کيفر و پاداش اعمال افراد را نیز همین نعمت خدادادی دانسته، چنین می‌فرماید:

... لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر ثم قال و عزتي و جلالی ما خلقت خلقا هو احب الي منك و لا اكملتك الا فيمن احب اما اني اياك امر و اياك انهي و اياك اعاقب و اياك اثيب... (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۲۰۲) ترجمه: امام باقر (ع) می‌فرماید: چون خدا عقل را آفرید از او بازپرسی کرده به او گفت پیش آی: پیش آمد. گفت بازگرد و بازگشت. فرمود به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی که از تو به پیشم محبوبتر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم، همانا امر و نهی و کيفر و پاداشم متوجه تو است.

امام صادق (ع) در خطابه مفصلی به هشام، جنبه‌های مختلف عقل و اهمیت توجه بدان در تربیت را متذکر شده‌اند که در اینجا به ذکر دو قسمت از این سخن گرانقدر بسنده کرده، خواننده را برای اطلاع بیشتر به کتاب وزین اصول کافی جلد ۱ ارجاع می‌دهیم. حضرت در این زمینه می‌فرماید: ... یا هشام إن الله تبارك و تعالی اكمل للناس الحجج بالعقول و نصر النبیین بالبیان و دلهم علي ربوبیتسه بالادلة... (کلینی،

۱۳۶۵، ج ۱: ۱۳) ترجمه: ای هشام، خداوند متعال به واسطه عقل، حجت را بر مردم تمام کرده و پیغمبران را به وسیله بیان یاری کرده و به سبب برهانها به ربوبیت خویش دلالتشان نموده است.

آن بزرگوار در قسمتی دیگر از همین سخن شریف می‌فرمایند: «خداوند متعال بر انسان دو حجت دارد که یکی از آن دو آشکار و دیگری نهان است. حجت آشکار خداوند، پیامبران و ائمه هستند و حجت نهان، عقل انسان است. بدیهی است که حجت آشکار برای اجرای صحیح نقش خویش از حجت نهان مستغنی و بی‌نیاز نخواهد بود و پیامبران نیز در بیان و ابلاغ رسالت خویش از آن بهره فراوان برده و همواره پیروان و مردم را به تعقل و تفکر دعوت کرده‌اند.

از دید مولای متقیان علی (ع) قوه تعقل قوه‌ای است که ملاک سعادت یا شقاوت انسان است و وجه ممیز انسان از حیوان و فرشته است به طوری که فرشته عقل محض است و حیوان شهوت محض و انسان دارای هر دوی این قوای متضاد است و به دلیل تنازع دائمی و اجتناب‌ناپذیر بین این دو قوه به کارگیری قوه تعقل و استمداد کامل از آن برای تسلط بر امیال و خواهشهای پست حیوانی ضرورت حتمی است. از آنجایی که هدف تربیت نیز رشد فرد و رها ساختن وی از بند مادیات و خواهشهای دنیوی است، پرورش قوه تعقل را از جمله اهداف تربیت تلقی می‌کنند. آن بزرگوار داستان خلقت انسان و سرگذشت استقرار قوه تعقل در وی را چنین می‌فرمایند: ... ان الله تعالی خلق الملائکه و رکب فیهم العقل و خلق البهائم و رکب فیهم الشهوة و خلق بنی آدم و رکب فیهم العقل و الشهوة فمن غلب عقله علی شهوته فهو اعلی من الملائکه و من غلب شهوته علی عقله فهو ادنی من البهائم. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۱۶۴)

ترجمه: خداوند فرشتگان را آفرید و سرشت آنان را به عقل آمیخت و چهار پایان را خلق کرد و در نهادشان شهوت نهاد و آدم را آفرید و عقل و شهوت را در نهادش

به هم آمیخت؛ پس هر کس عقل بر شهوتش غلبه کند از فرشتگان برتر است و هر کس شهوت بر عقلش غلبه کند از چهار پایان کمتر است.

اگر رسیدن به بهشت و رضایت کامل خداوند متعال از مخلوق را هدف نهایی وجود انسان بدانیم که قطعاً چنین است و اگر رشد را مترادف با رسیدن به بهشت تلقی کنیم که باز چنین فرضی به استناد روایات مکرر از ائمه و معصومین به صراحت قابل اثبات است، می‌توان گفت که تنها ابزاری که رسیدن به این مهم را تضمین می‌کند، عقل است و بس. از امام صادق(ع) چنین نقل شده است: ... عن بعض اصحابنا رفعه الي ابي عبدالله(ع) قال : قلت له: ما العقل؟ قال: ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان قال: قلت فالذي كان في معاوية؟ فقال تلك النكراء تلك الشيطنة و هي شبيهة بالعقل و ليست بالعقل ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۱) شخصی از امام ششم(ع) پرسید عقل چیست؟ فرمود: چیزی است که به وسیله آن خداپرستش می‌شود و بهشت به دست آید. شخص می‌گوید: پس گفتم آنچه معاویه داشت چه بود؟ فرمود: آن نیرنگ است. آن شیطنت است. آن نمایش عقل را دارد ولی عقل نیست.

باز آن بزرگوار در جای دیگری این جمله را از رسول اکرم (ص) نقل می‌کنند: ... قال رسول الله: يا علي لا فقر اشد من الجهل و لا مال اعود من العقل ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۵) ترجمه: بیغمبر (ص) به علی(ع) فرمودند که ای علی هیچ تهیدستی سخت‌تر از نادانی و هیچ مالی سودبخش‌تر از عقل نیست.

آن حضرت همچنین عقل را دلیل و راهنمای مؤمن در روند تربیت و رسیدن به کمال و سعادت تلقی نموده، می‌فرمایند: ... من ابي عبدالله(ع) قال: العقل دليل المؤمن. ترجمه: امام صادق علیه‌السلام فرمود: عقل راهنمای مؤمن است.

امام صادق(ع) عقل را پایه و اساس شخصیت انسان تلقی می‌کنند و سرچشمه همه ویژگیهای مثبت و با ارزش انسان را قوه تعقل وی می‌دانند. همچنین قوه تعقل



باعث می‌شود که فرد به شناختی صحیح و دقیق از موقعیت حال و آینده خویش نایل آید و براساس شناخت این شرایط، رفتار و کردار خویش را به گونه‌ای تنظیم کند که بتواند به رشد و کمال موردنظر خویش دست یابد. لذا پرورش عقل و تکیه بر این مهم به عنوان یکی از اهداف تربیت بیش از پیش روشن و مبرهن می‌گردد. آن بزرگوار می‌فرماید: ... قال ابو عبدالله (ع): دعامة الانسان العقل و العقل منه الفطنة و الفهم و الحفظ و العلم، و بالعقل يكمل و هو دليله و مبصره و مفتاح امره، فاذا كان تأييد عقله من النور كان عالماً حافظاً، ذاكراً فطنا فهما فعلم بذلك كيف و لم و حيث و عرف من نصحه و من غشه ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۱۵) ترجمه: امام صادق (ع) فرمود: پایه شخصیت انسان عقل است و هوش و فهم و حافظه و دانش از عقل سرچشمه می‌گیرد. عقل، انسان را کامل کند و رهنما و بیناکننده و کلید کار اوست و چون عقلش به نورخدایی مؤید باشد، دانشمند و حافظ و متذکر و باهوش و فهمیده باشد و از اینرو بداند که چگونه و چرا و کجاست و خیرخواه و بدخواه خود را بشناسد و ...

امام رضا (ع) از قوه عقل به عنوان دوست و از جهل (نبودن عقل) به عنوان دشمن یاد می‌کنند. نکته مهم این است که در اینجا جهل به معنای نداشتن علم نیست بلکه به معنای نبودن نیروی تعقل است و لذا علم و آگاهی به تنهایی نمی‌تواند مشکل گشای انسان باشد و آنچه حایز اهمیت بالاتری است، تفکر و تأمل و اندیشه جهت‌دار و قاعده‌مند است. در این مورد در اصول کافی چنین می‌خوانیم: ... عن الحسن بن الجهم قال: سمعت الرضا (ع) يقول: صدیق کل امرء عقله و عدوه جهله ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۱) ترجمه: حسن بن جهم گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که می‌فرمود: دوست هر انسانی، عقل اوست و دشمن او جهلش.

از دیدگاه ائمه و معصومین علیهم السلام دینداری و عبادت بدون تعقل و تفکر

هیچ ارزشی ندارد و ملاک ارزش اعتقادات دینی و مذهبی نیز تعقل و استدلال افراد است به طوری که تقلید در اصول دین منع شده و هرکس موظف شده است که براساس تحقیق و تفحص خویش به آن دست یابد و لذا دینداری با عقل، رابطه تساوی ندارد و هرکس که عقل به معنای واقعی را دارد، لاجرم دین نیز خواهد داشت و دینداری ناشی از تعقل است که انسان را به بهشت و رضوان الهی، که همان رشد و کمال مورد انتظار نوع بشر است، رهنمون می‌شود. در این رابطه احادیث فراوانی وجود دارد که به عنوان نمونه به ۳ مورد اشاره می‌شود.

... قال ابو عبدالله (ع): من كان عاقلاً كان له دين و من كان له دين دخل الجنة... ترجمه: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می‌رود. (پس هر که عاقل است به بهشت می‌رود)... قال رسول الله (ص): اذا بلغكم عن رجل حسن حال فانظروا في حسن عقله فانما يجازي بعقله ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۲) ترجمه: رسول خدا فرمودند که چون خوبی حال مردی (مانند نماز و روزه بسیارش) به شما رسید در خوبی عقلش بنگرید زیرا به میزان عقلش پاداش می‌یابد ... عن اسحاق بن عمار عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قلت له: جعلت فداك ان لي جاراً كثيراً الصلاة كثيراً الصدقه كثير الحج لا يأس به قال: فقال يا اسحاق كيف عقله، قال: قلت له، جعلت فداك ليس له عقل قال: فقال: لا يرتفع به ذلك منه ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۴) ترجمه: اسحاق بن عمار می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) رسیدم و عرض کردم: قربانت گردم من همسایه‌ای دارم که نماز خواندن و صدقه دادن و حج رفتن او زیاد است و عیب ظاهری ندارد. فرمود: عقلش چگونه است؟ گفتم: عقل درستی ندارد. فرمود: پس با آن اعمال درجه‌اش بالا نمی‌رود.

حضرت پیامبر (ص) ادراک معقول و پرورش قوه تعقل را بر رنج در عبادت ترجیح می‌دهند و معتقدند که طریق پیشی گرفتن بر دیگران در رشد و کمال و

رسیدن به اهداف تربیت اسلامی، پرورش قوه تعقل است. آن بزرگوار در این رابطه چنین می‌فرماید:

... یا علی اذا رأیت الناس یتقربون الی خالقهم بانواع البر تقرب انت الیه بانواع العقل تسبقهم ... (جعفری، ۱۳۵۷، ج ۱: ۱۸۱) ترجمه: ای علی چون مردمان در تکثر عبادت رنج برند تو در ادراک معقول رنج بر تا بر همه سبقت گیری و باز معصومین علیهم‌السلام در همین رابطه بین حفظ معارف اسلامی و درک و فهم آنها تفاوت قائل شده و فهم و درک یک حدیث را از حفظ طوطی‌واری هزار حدیث بهتر دانسته‌اند و این کار یعنی یادگیری همراه با درک و فهم بدون یاری گرفتن از نیروی تعقل و پرورش آن ممکن نیست. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: ... عن ابي عبدالله (ع) قال: حدیث تدریه خیر من الف تزویه و لا یکون رجل منکم فقیها حتی يعرف معاریض کلامنا ... (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۸۴) ترجمه: امام صادق (ع) فرمود: اگر کسی یک حدیث از معارف اسلامی را بخوبی بفهمد و عمق علمی آن را به درستی درک کند بهتر از آن است که هزار حدیث را به حافظه بسپارد و آنها را نقل کند. کسی از شما به مقام فقاہت نائل نمی‌شود مگر اینکه به جهات مختلف کلام ما متوجه باشد.

احادیث ذکر شده نشانگر جایگاه و اهمیت والای عقل در دیدگاه اسلامی است و این امکان را فراهم می‌آورد که پرورش این نعمت الهی (تعقل) به عنوان یکی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی مطرح گردد.

### ۳- پرورش روح جمعی

از آنجاکه انسان مورد نظر اسلام و معصومین علیهم‌السلام انسانی است که علاوه بر هویت فردی و شخصی دارای هویت و رسالتی جمعی است و بخشی از شخصیت

خویش را از طریق تعامل با سایر انسانها و برادران و خواهران دینی خویش در جامعه کسب می‌کند، پرورش روح جمعی در افراد نیز به عنوان یکی از اهداف تربیت تلقی می‌گردد به طوری که ایجاد روح جمعی و احساس مسئولیت در مقابل جامعه مسلمین می‌تواند راه را برای رسیدن انسان به رشد و کمال مورد نظر هموار سازد. در دستور معصومین علیهم‌السلام، موارد مکرر و فراوانی ملاحظه می‌شود که بیانگر توجه و تأکید آن بزرگواران بر پرورش روح جمعی است. در کتاب شریف اصول کافی به مواردی از قبیل حیاء، حسن خلق، عفو، کظم غیظ، حلم، مدارا و سازگاری، نرمی، تواضع، انصاف و عدالت، صلۀ رحم، اصلاح میان مردم و ... اشاره شده است که این موارد و موارد مشابه، بیانگر اهمیت آنها و توجه فراوان ائمه معصومین علیهم‌السلام به پرورش روح جمعی در مؤمنان است. ما در اینجا به طور مختصر به برخی از احادیث و روایات اشاره می‌کنیم. بدیهی است که پرداختن به جمیع جوانب مذکور، مستلزم نگارش کتابی مفصل خواهد بود.

یکی از احادیثی که اهمیت جامعه و اثر آن را در تربیت فرد خاطر نشان می‌سازد، این حدیث شریف از قول امام صادق (ع) است که هرگونه تربیت دینی و عقیدتی را به وجود شرایط اجتماعی مناسب و مطلوب منوط دانسته، ایجاد جامعه مطلوب را یکی از وظایف مرییان می‌داند. برای ایجاد چنین جامعه‌ای پرورش روحیه جمعی در افراد و احساس مسئولیت در مقابل آن از ضروریات اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. آن حضرت چنین می‌فرماید: ... عن ابی‌عبدالله (ع) انه قال: ما من مولد یولد الا علی الفطرة فابواه اللذان یهودانه و ینصرانه و یمجسانه ... (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹۶: ۱۱) ترجمه: امام صادق (ع) فرمود: هیچ فرزندی متولد نمی‌شود مگر اینکه بر فطرت (توحید) است. بعداً والدین او هستند که او را یهودی، نصرانی و مجوسی می‌کنند.

به منظور اینکه افراد به ایجاد محیط جمعی مطلوب و مناسب برای تربیت افراد صالح و مؤمن کمک کنند و از این راه، طی طریق به سوی رشد و کمال مطلوب را امکانپذیر سازند، احساس مسئولیت در برابر مسائل و مشکلات جامعه، ضروری است و ائمه و معصومین علیهم‌السلام در مقاطع مختلف بر این مهم تأکید ورزیده‌اند. رسول خدا (ص) در مورد ضرورت احساس مسئولیت فرد در مقابل جامعه اسلامی می‌فرماید: ... قال رسول الله (ص): من أصبح ولايته بأمور المسلمين فليس بمسلم ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۹۴) ترجمه: رسول خدا (ص) فرمود: هر که صبح کند و به امور مسلمین همت نکند مسلمان نیست.

آن بزرگوار همچنین عبادت و پرستش خدا را تنها به عبادت ظاهری فردی محدود نمی‌داند، بلکه عبادات واقعی را آن دسته اموری می‌داند که به حال سایر افراد جامعه مفید و نافع باشد و عابدترین مردم را کسی می‌داند که بیشتر از بقیه به مردم جامعه اسلامی سود برساند. آن حضرت در این زمینه می‌فرماید: ... قال رسول الله (ص): انك الناس نسكا انصحتهم جيبا و اسلمهم قلبا لجميع المسلمين ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۳) ترجمه: رسول خدا (ص) فرمود: عابدترین مردم کسی است که نسبت به همه مسلمین خیرخواه‌تر و پاکدلتر باشد و باز در جای دیگر بالاترین پادشها و جوایز را برای کسی می‌داند که نسبت به امور جامعه اسلامی و بویژه جلوگیری از بروز مشکلات و مصائب برای مسلمین احساس مسئولیت و تلاش بیشتری داشته باشد به طوری که اگر کسی در این زمینه‌ها تلاش بکند بهشت برای او واجب می‌شود؛ یعنی اینکه احساس مسئولیت و پرداختن به رفع مشکلات برادران دینی در زمره عبادات مقبول تلقی می‌شود و روشن است که قبول عبادت به معنای رضایت خداوند از بنده و به منزله رشد و کمال و سعادت خواهد بود. آن حضرت

می فرمایند: ... قال رسول الله (ص): من رد عن قوم من المسلمين عادیه (ماء) او نارا وجبت له الجنة ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۵) ترجمه: رسول خدا (ص) فرمود: هر کس تجاوز آب یا آتشی را از گروهی از مسلمین بگرداند، بهشت برایش واجب می شود. امام صادق (ص) نیز خدمت به خلق خدا و احساس تکلیف در مقابل رفع مشکلات آنها را در زمره بهترین اعمال می دانند و چنین می فرمایند: ... سمعت ابي عبدالله يقول: عليك بالتحص لله في خلقه فلن تلقاه بعمل افضل منه ... (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱: ۳۳۸) ترجمه: امام صادق (ع) فرمود: بر تو باد که برای خدا نسبت به مخلوقش خیر خواه باشی که هرگز خدا را به عملی بهتر از آن ملاقات نکنی.

امام صادق (ع) جامعه اسلامی را به مثابه پیکره و یک بدن می دانند و افراد جامعه را اعضای این بدن تلقی می کنند. بدیهی است که ناراحتی و رنج یکی از اعضا، موجبات اختلال و ناراحتی سایر اعضا را فراهم می کند. فرد در جامعه اسلامی نیز چنین نقشی دارد و نمی تواند خود را از سایر اعضای جامعه جدا بداند و باید در مقابل مسائل و مشکلات آنها احساس مسئولیت داشته باشد؛ چرا که ناراحتی آنها به دلیل ارتباط تنگاتنگ آنها با یکدیگر به وی نیز سرایت می کند. آن حضرت می فرمایند: ... سمعت ابا عبدالله يقول: المؤمن اخو المؤمن كالجسد الواحد. ان اشتكى شیناً منه وجد الم ذلك في سایر جسده و ارواحهما من روح واحده و ان روح المؤمن لاشد اتصالاً به روح الله من اتصال شعاع الشمس بها ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۶) ترجمه: امام صادق (ع) می فرمود: مؤمن برادر مؤمن است؛ مانند پیکری که هرگاه عضوی از آن دردمند شود، اعضای دیگر هم احساس درد می کنند و روحهای آنها نیز از یک روح است و همانا پیوستگی روح مؤمن به روح خدا از پیوستگی پرتو خورشید به خورشید بیشتر است.

حضرت رسول اکرم (ص) سود رسانیدن به سایر افراد را از ویژگیهای شایسته

انسان مؤمن دانسته، ملاک قرب افراد در درگاه خداوند را احسان و نیکی به دیگران می‌دانند و به مؤمنان توصیه می‌فرمایند که در این مورد اقدام کنند. لذا می‌توان احسان و نیکی را نیز در زمره اهداف تربیتی قلمداد کرد به طوری که این امور و ایجاد چنین ملکات اخلاقی در افراد، راه رسیدن به رشد و کمال را هموار خواهد کرد. آن حضرت می‌فرماید: ... قال رسول الله (ص): الخلق عيال الله فاحسب الخلق الي الله من نفع عيال الله و ادخل علي اهل بيت سرورا... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۵) ترجمه: پیغمبر (ص) فرمود: مخلوق، عیال خدا هستند و محبوبترین آنها نزد خدا، کسی است که به عیال خدا سود دهد و به خانواده‌اش شادی رساند.

در جایی دیگر قریب به همین مضمون می‌فرمایند: ... سنل رسول الله (ص) من احب الناس الي الله؟ قال: انفع الناس للناس... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۵) ترجمه: از رسول خدا (ص) سؤال شد که محبوبترین مردم نزد خدا کیست. فرمود کسی که سودش به مردم از دیگران بیشتر باشد.

امام باقر (ع) کمک به مستمندان و دستگیری از آنان و گذشت و اغماض از خطایای دیگران را از ویژگیهای ضروری شیعیان دانسته، می‌فرماید: ... عن ابي اسماعيل قال: قلت لابي جعفر (ع): جعلت فداك ان الشيعة عندنا كثير فقالت: فهل يعطف الغني علي الفقير؟ و هل يتجاوز المحسن عن المسيئي؟ و يتواسون؟ فقلت: لا، فقال: ليس هؤلاء شيعة، الشيعة من يفعل هذا... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۷۳) ترجمه: ابواسماعیل می‌گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم قربانت کردم ما شیعه بسیار است فرمود: آیا توانگر به فقیر توجه می‌کند؟ آیا نیکوکار از بدکار می‌گذرد و با یکدیگر مواسات می‌کنند؟ عرض کردم: نه، فرمود: آنها شیعه نیستند. شیعه کسی است که چنان کند.

از امام صادق (ع) نیز این مضمون چنین نقل شده است: ... عن ابي عبدالله (ع) قال:

حق المسلم علي المسلم إن لا يشبع و يجوع اخوه و لا يروي و يعطش اخوه و لا يكتسي و يعري اخوه، فما اعظم حق المسلم علي اخيه المسلم و قال: احب لاختك المسلم ما تحب لنفسك ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۷۰) ترجمه: امام صادق علیه السلام فرمود: حق مسلمان بر مسلمان این است که او سیر نباشد و برادرش گرسنه و او سیراب و برادرش تشنه و او پوشیده و برادرش برهنه. پس چه بزرگ است حق مسلمان بر برادر مسلمانش و فرمود: پس برای برادر مسلمات بخواه آنچه برای خود می خواهی و ... مؤمنان در جامعه اسلامی حقوقی متقابل دارند و برای دوام و استمرار حیات جامعه اسلامی باید نسبت به ادای تکالیف متقابل خویش در برابر یکدیگر اقدام کنند. در این رابطه نیز احادیث فراوانی از قول معصومین علیهم السلام نقل شده که به ذکر چند مورد اکتفا می شود. عن ابی جعفر (ع) قال: سمعت يقول: المؤمن اخو المؤمن لایبه و امه لان الله عزوجل خلق المؤمنان من طینه الجنان و اجري في صورهم من ریح الجنة فلذلك هم اخوة لاب و ام ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۶) ترجمه: امام باقر (ع) می فرمود: مؤمن برادر پدری و مادری مؤمن است. زیرا خدای عزوجل مؤمنان را از سرشت بهشتی آفرید و از نسیم بهشت در پیکرشان دمید. به این دلیل، مؤمنان برادر پدری و مادری یکدیگرند.

... عن ابی عبدالله (ع) قال: للمسلم علي اخيه المسلم من الحق ان یسلم عليه اذا لقیه و یعوده اذا مرض و ینضح له اذا غاب و یسمته اذا عطس و یجیبه اذا دعاه و یتبعه اذامات ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۷۱) ترجمه: امام صادق (ع) می فرمود: برخی از حقوق مسلمان بر برادرش این است که چون او را دید سلامش کند و چون بیمار شود عیادتش کند و چون غائب شود خیرخواهیش کند و چون عطسه کند دعایش کند (یرحمک الله) و چون بمیرد تشییعش کند. پیامبر اکرم (ص) ملاک خیرخواهی و رفتار با جمع را به ما معرفی کرده اند و آن ملاک در دوران هر فردی قابل دستیابی و جستجو است و آن عبارت است از قیاس به نفس خویش. در این مورد چنین آمده



است: ... جاء اعرابي الي النبي (ص) و هو يريد بعض غزواته، فاخذ بغرر راحلته فقال: يا رسول الله علمني عملا ادخل به الجنة فقال: ما احببت ان ياتيئه الناس اليك فاته اليهم و ما كرهت ان ياتيئه الناس اليك فلاتأته اليهم، خل سبيل الراحله ... (كليني، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۴۹) ترجمه: عربی خدمت پیغمبر (ص) آمد در حالی که آن حضرت به سوی جنگی می‌رفت. عرب رکاب شتر آن حضرت را گرفت و گفت: یا رسول‌الله به من عملی آموز که موجب رفتن بهشتم شود. فرمود: هرگونه دوست داری مردم با تو رفتار کنند با آنها رفتار کن و هرچه را ناخوش داری مردم با تو کنند با آنها مکن. اکنون جلو شتر را رها کن.

#### ۴- قصد قربت

در تربیت اسلامی نیت و قصد انجام دهنده افعال از اهمیت بسیاری برخوردار است. ملاک قبول یا رد هر فعلی صرف نظر از نتیجه یا بازده آن، نیت و اراده‌ای است که فاعل آن در نظر داشته است. همین نیت و اراده است که در نهایت می‌تواند موجبات رشد و کمال فرد را فراهم بکند و یا اینکه از رسیدن وی به رشد و کمال مطلوب جلوگیری به عمل آورد. اجرای یک عمل خاص توسط دو فرد می‌تواند برای یکی موجب رشد و برای دیگری موجب ضلالت و گمراهی بشود. علت این تفاوت، نیت و قصد آنهاست. در متون اسلامی و روایات معصومین علیهم السلام بر ایجاد نیت و ارادی کردن افعال تأکید شده و همواره بر علم و تصمیم افراد برای انجام دادن امور و پرهیز از کارهای تکراری و عادت گونه تأکید شده است و لذا اعمال و عبادات از روی عادت و بدون تعمق و تأمل و قصد قربت فاقد هرگونه ارزش تلقی می‌شود.

در تربیت اسلامی هرکاری براساس نیت فاعل ارزشمند است و چون انسان

موجودی جهت‌دار و هوشمند است و هیچ فعل و کاری از انسان صادر نمی‌شود مگر اینکه هدفی را دنبال کند و او را یک گام به سوی رشد و تکامل به پیش برد، کار بدون نیت و قصد قربت در قاموس افعال مسلمان و فرد تربیت شده در مکتب ائمه معصومین علیهم‌السلام پیدا نمی‌شود و اعمال، بهره‌ها و نتیجه نیتها به شمار می‌رود.

پیامبرگرامی اسلام داشتن نیت و البته به معنای قصد قربت و نائل شدن به رشد و کمال را، حتی در اعمال روزمره و حیاتی انسان ضروری دانسته، می‌فرمایند: ... لیکن لك النیة حتی فی الاکل و التوم... (برقی، ۱۳۶۶: ۱۳۶) ترجمه: بیاست مرا در هر چیز قصد باشد حتی در خوردن و خفتن.

حضرت در جای دیگر، پاداش هر عمل را بر نیت آن عمل مبتنی می‌دانند و نه اندازه و بزرگی یا سایر ویژگیهای آن. لذا ممکن است یک عمل بسیار کوچک و ناچیز به دلیل نیت الهی آن مورد قبول قرار گیرد و اعمال به ظاهر بزرگ به دلیل نیتهای غیرالهی و ریایی ارزشی را در درگاه خداوند نداشته، انسان را به رشد و کمال رهنمون نشوند. حضرت در این مورد چنین می‌فرمایند: ... ائما الاعمال بالنیات... (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۸۳) ترجمه: کارها براساس نیت افراد پاداش داده می‌شود.

آن بزرگوار، رکن نیت را دارای اهمیتی بالاتر از خود عمل می‌دانند؛ زیرا آنچه به عمل و فعل انسان روح و جهت می‌بخشد و مسیر ارتقایی آن را تضمین می‌کند، نیت و قصد قربت است و در مقابل، نیت فرد کافر و نیت غیر قرب الهی از خود اعمال کفرآمیز گنهکارانه‌تر است؛ چه اینکه عمل ممکن است گاهی اوقات به مرحله اجرا درنیاید ولی نیت در هر حال اثر خودش را در روان انسان باقی

می‌گذارد. آن بزرگوار می‌فرماید: قال رسول الله (ص): نية المؤمن خير من عمله و نية الكافر شرّ من عمله و كل عامل يعمل علي نيته (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۱۳۳) ترجمه: رسول خدا (ص) فرمود: نیت مؤمن از عمل او بهتر است و نیت کافر از عملش بدتر باشد و هر کس طبق نیتش کار می‌کند.

مولای متقیان حضرت علی (ع) اعمال را نتیجه و محصول نیت تلقی نموده، می‌فرماید: ... الاعمال ثمار النّيات (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۹۳) ترجمه: اعمال میوه‌های نیتها است.

همچنین آن بزرگوار در کتاب وزین و شریف نهج البلاغه بر گفته‌های قبلی تأکید می‌ورزند و معتقدند آنچه در درگاه حضرت ربوبی حایز اهمیت است، ظاهر اعمال و افعال انسانی نیست بلکه باطن آنها و آن اثری است که در روح و روان فاعل برجای می‌گذارند و این آثارند که می‌توانند زمینه رشد را فراهم ساخته یا از رشد فرد جلوگیری به عمل آورند. آن بزرگوار چنین می‌فرماید: ... ان الله لا ينظر الي اعمالكم و لكن ينظر الي قلوبكم ... (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸: ۴۸) ترجمه: خداوند به اعمال ظاهری شما نگاه نمی‌کند بلکه به قلب شما متوجه است.

امام صادق (ع) به دست آوردن پاداش و یا افتادن به جهنم و دوزخ و عذاب الهی را وابسته به نیت فرد دانسته، می‌فرماید: ... انما خلد اهل النار في النار لان نياتهم كانت في الدنيا ان لو خلدوا فيها ان يعصوا الله ابدا و انما خلد اهل الجنة في الجنة لان نياتهم كانت في الدنيا ان لوبقوا فيها ان يطيعوا الله ابدا. فبالنّيات خلد هؤلاء و هؤلاء ثم تلا قوله تعالى: قل كل يعمل علي شاكلته قال: علي نيته. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۸۵) ترجمه: اهل دوزخ از این رو در دوزخ جاودان هستند که نیت داشتند اگر در دنیا جاودان باشند همیشه نافرمانی خدا کنند و اهل بهشت از اینرو در بهشت جاودان هستند که نیت داشتند اگر در دنیا باقی بمانند همیشه اطاعت خدا کنند. پس این دسته و آن دسته به

سبب نیت خود جاودانی شدند. پس قول خدای تعالی را تلاوت فرمود: بگو هر کس طبق طریقه خویش عمل می‌کند و فرمود: یعنی طبق نیت خویش. آن حضرت همچنین صرف صدور فعل را مستوجب پاداش نمی‌دانند بلکه نیت و اراده انجام دادن آن را، اگر چه امکان آن نیز فراهم نگردد، مستوجب پاداش دانسته، می‌فرمایند:

... عن ابي عبدالله (ع) قال: ان العبد المؤمن الفقير ليقول: يا رب ارزقني حتي افعال كذا و كذا من البر و وجوه الخير، فاذا علم الله عزوجل ذلك منه بصدق كتب الله له من الاجر مثل ما يكتب له لوعمله، ان الله واسع كريم (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۸۵) ترجمه: امام صادق (ع) فرمود: بنده مؤمن فقیر گوید، پروردگارا به من (مال و ثروت) روزی کن تا از احسان و راه‌های خیر چنین و چنان کنم (مسجد بسازم، اطعام دهم و به بینوایان کمک کنم) و چون خدای عز و جل بداند نیتش صادق است و راست می‌گوید برای او همان اجر و پاداش را می‌نویسد که اگر انجام می‌داد، می‌نوشت؛ همانا خدا وسعت‌بخش و کریم است.

#### ۵- تهذیب نفس

یکی دیگر از نکاتی که در کلام نورانی ائمه معصومین علیهم‌السلام بارها قابل ملاحظه و رؤیت است، سفارش و تأکید آن بزرگواران بر اصلاح نفس از طریق پرهیز از دنیاگرایی و معاصی و ترک شهوات و تمسک به تقوی و ورع است. گو اینکه انسان برای رسیدن به رشد و کمال مورد نظر علاوه بر تمسک به عقل و پرورش نیروی عقلانی و پرورش روح جمعی و ایفای نقش مؤثر در جمع باید به تربیت نفس خویش نیز همت گمارد و در صورت عدم اصلاح و تصفیه نفس هر فعالیت دیگری، وی را سود نخواهد بخشید. لذا اصلاح نفس و تزکیه آن در زمره

اهداف اساسی و بنیادین تربیت اسلامی قرار می‌گیرد و در صورتی که این هدف به طور کامل تحقق نیابد، سیر و طی طریق به سوی رشد و کمال امکانپذیر نخواهد بود. تنها در صورت تحقق این هدف است که می‌توان به سوی هدفهای بعدی گام برداشت و در نهایت به هدف نهایی، که رشد و کمال است، نایل شد.

با در نظر داشتن تمثیل نردبان برای اهداف تربیت یکی از پله‌های اساسی و مهم این نردبان، اصلاح و تربیت نفس انسان است. رسیدن به این پله و مرحله را می‌توان یک هدف مهم تلقی کرد. از سویی دیگر رسیدن به این مرحله، خود وسیله و شرطی است برای رسیدن و گام نهادن بر پله‌های دیگر تا بالاخره رسیدن به هدف اساسی خلقت حاصل شود. در این ارتباط و به دلیل وجود بعد اخلاقی و تربیتی برجسته‌اش، احادیث و روایات فراوانی وجود دارد که در اینجا فقط به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

حضرت رسول اکرم (ص) هدف بعثت و رسالت خویش را شکوفایی خوبیهای اخلاق دانسته‌اند و روشن است که این خوبیها و مکارم اخلاقی تنها زمانی امکان تجلی و بروز می‌یابد که مسلمان و مؤمن، نفس خویش را اصلاح کرده باشد. آن حضرت می‌فرمایند: ... بعثت لا تتم محاسن الاخلاق (مکارم الاخلاق) ... (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۱۸۷) ترجمه: من برای شکوفا کردن خوبیهای اخلاق برانگیخته شدم.

آن حضرت همچنین اصلاح نفس و مبارزه با آفات اصلاح نفس را بزرگترین مبارزه برای مؤمن می‌دانند و از آن به عنوان «جهاد اکبر» یاد می‌کنند. در کتاب وسائل الشیعه چنین آمده است: ... عن امیرالمؤمنین (ع) قال: ان رسول الله (ص) بعث سربه فلما رجعوا قال: مرحبا بقوم قضوا جهاد الاصغر و بقي عليهم جهاد اکبر. قيل يا رسول الله و ما الجهاد الاکبر فقال: جهاد النفس و قال عليه السلام: ان افضل الجهاد من جاهد نفسه التي بين جنبيه ... (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۱۶۳) ترجمه: امیرالمؤمنین (ع)

فرمود: رسول خدا (ص) گروهی را به جنگ فرستاد پس از بازگشت گفت: آفرین به قومی که جهاد کوچکتر را انجام دادند و جهاد بزرگتر برای آنها باقی است. گفتند یا رسول الله جهاد بزرگتر کدام است؟ فرمود: جهاد با نفس. علی (ع) چنین ادامه دادند: بالاترین جهاد را کسی انجام می‌دهد که با نفس خویش، که در خود او است، بجنگد.

مولای متقیان حضرت علی (ع) مبارزه در راه اصلاح نفس را تلاش دائمی و پایان‌ناپذیر برای مؤمنان می‌داند که هیچ‌گاه تمام شدنی نیست و هر زمان که انسان فکر کند از شر نفس اماره خلاص شده در لبه پرتگاه سقوط قرار گرفته است و لذا باید همواره این مسئولیت را بر دوش خویش احساس بکند و به اصلاح نفس همت بگمارد. ایشان می‌فرمایند: ... واعلموا عبادالله ان المؤمن لا یصبح و لا یمسی الا و نفسه ظنون عنده فلا یزال زاریا علیها و مستزیداً لها ... (زمانی، ۱۳۷۰: ۴۲۷ - ۴۲۶) ترجمه: بندگان خدا شما بدانید که مؤمن شب و روز نسبت به خودش تردید دارد و همیشه خود را ناقص می‌داند و به دنبال تکمیل کردن خویش می‌رود.

آن حضرت در خطبه ۲۲۳ در صفات زاهدان می‌فرماید: ... و یرون اهل الدنیا یعظون موت اجسادهم و هم اشد اعضاماً لموت قلوب احیائهم ... (زمانی، ۱۳۷۰: ۵۵۶) ترجمه: در حالی که می‌بینند مردم دنیا مرگ بدن را خیلی مهم تلقی می‌کنند آنها برای مرگ قلبها بیشتر اهمیت قائل هستند.

لذا فرد مؤمن باید همواره به فکر اصلاح و بهبود نفس خویش باشد و این یکی از اهداف نظام تربیتی اسلام است و باید از ابزارهای مختلف برای رسیدن به این هدف سود جست.

از آنجا که در نظام تربیتی اسلام بر نقش مربی و زمامدار جامعه به عنوان الگوی

مردم تأکید فراوانی شده است، آن حضرت ضرورت خودسازی و اصلاح نفس را برای مربی چنین گوشزد می‌فرمایند: من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره و ليكن تأديبه بسيرته قبل تأديبه بلسانه و معلم نفسه احق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم ... (زمانی، ۱۳۷۰: ۸۷۲) ترجمه: کسی که می‌خواهد خود را پیشوای مردم معرفی کند باید قبل از اینکه به تعلیم دیگران پردازد خود را تعلیم دهد. چنین فردی قبل از اینکه با زبان، مردم را تعلیم دهد، باید با اخلاق و روش خود آنان را هدایت کند. کسی که خود را تعلیم دهد و تربیت کند از نظر احترام از آموزگار و تربیت کننده مردم سزاوارتر است.

مولای متقیان (ع) در جایی دیگر مؤمنان را به پرهیز از رضایت به حالت فعلی نفس توصیه می‌کنند؛ چرا که هر زمان انسان احساس کند که از شر و مکر نفس خویش در امان است ضربه خواهد خورد. آن بزرگوار می‌فرمایند: ... رضاء العبد عن نفسه مقرون بسخط ربه ... (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۸۲) ترجمه: خوی ناپسند از خود رضایی، آدمی را به غضب خداوند بزرگ نزدیک می‌کند و در جای دیگر می‌فرمایند: ... من رضي عن نفسه ظهرت عليه المعايي ... (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۱۴) ترجمه: آن کس که گرفتار بیماری از خود رضایی است زشتیها در وی آشکار می‌گردد.

امام صادق (ع) نیز به اصلاح نفس توصیه نموده، می‌فرماید: ... قال ابو عبدالله (ع) لرجل انك قد جعلت طبيب نفسك و بين لك الداء و عرفت آية الصحة و دللت علي الدواء فانظر كيف قيامك علي نفسك ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۵۴) ترجمه: امام صادق (ع) به مردی فرمود: تو طبیب نفس خویش گردیده‌ای و بیماری برایت روشن شده، علامت سلامت را می‌شناسی و به دارو نیز راهنمایی شده‌ای، حالا بین چگونه در مورد نفس خویش اقدام می‌کنی؟

آیات و روایات وارد شده مبنی بر ضرورت و اهمیت اصلاح نفس بسیار است اما به منظور رعایت اختصار به همین چند حدیث شریف اکتفا می‌شود و به توضیح برخی جنبه‌های فرعی اصلاح نفس می‌پردازیم.

### ۶- مبارزه با هواهای نفسانی

نفس اماره و امیال نفسانی همواره یکی از موانع رسیدن انسان به کمال و رشد بوده است. لذا رهایی از اینها نیز در زمره اهداف تربیتی است و انسان باید از طریق مبارزه با نفس اماره، راه خویش را به سوی اهداف والای تربیتی هموار کند.

در مورد مبارزه با نفس و قوای نفسانی از قول رسول اکرم (ص) آمده است که قدرتمند واقعی کسی است که بتواند بر این نیروهای درونی غالب شود. لذا روشن می‌گردد که مبارزه با امیال درونی کار چندان ساده‌ای نیست که این چنین مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است. از آن حضرت چنین نقل شده است: ... عن النبي (ص) قال: إن الشدید لیس من غلب الناس و لکن الشدید من غلب علی نفسه ... (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۱۳۹) ترجمه: رسول اکرم (ص) فرمود: انسان پر قدرت و نیرومند آن کس نیست که بر مردم غلبه کند؛ بلکه قوی و توانا کسی است که بر نفس سرکش و متجاوز خویش پیروز شود.

در جایی دیگر از قول آن بزرگوار چنین نقل شده است: ... و خرج (ص) و قوم یدجون حجراً فقال: أشدکم من ملک نفسه عند الغضب و احکمکم من عفا بعد المقدره (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴: ۱۵۰) ترجمه: پیامبر گرامی (ص) روزی بیرون رفت و گروهی سنگی را پرتاب می‌کردند. فرمودند: قهرمان شما کسی است که هنگام خشم خوددار باشد و وزنه‌بردار کسی است که پس از توانایی درگذرد.

حضرت علی (ع) شرط رسیدن به رشد و کمال را رهایی نفس از شهوتها و



میلهای نفسانی می دانند و می فرمایند: ... من لم يعط نفسه شهواتها اصاب رشده... (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۲۵۰) ترجمه: کسی که خواهشهای نفس خویش را برنیآورد به رشد می رسد.

آن بزرگوار پیروی هوای نفس را موجب سقوط انسان و بازماندن وی از رسیدن به رشد می دانند و در احادیث ذیل چنین می فرمایند: ... الهوي هوي الهي اسفل السافلین... (تمیمی آمدی، ۱۳۶۹: ۳۰۶) ترجمه: هوای نفس تمایل به اسفل السافلین دارد یعنی صاحب خویش را در اسفل السافلین ساقط می کند ... طاعة الهوي تفسد العقل... (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۶۴) ترجمه: پیروی هوای نفس عقل را فاسد می کند... انك إن اطعت هواك اصمك و اعماك و افسد منقلبك و ارداك... (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۱۱۴) ترجمه: شما اگر هوای نفس را مسیر خویش گردانید، شما را کور و کر می گرداند و هلاک می کند.

امام باقر (ع) بالاترین و بهترین اعمال را جهاد می دانند و بالاترین جهاد را غلبه بر نفس اماره، و چنین می فرمایند: ... عن الباقر عليه السلام انه قال: لافضيلة كالجهاد و لاجهاد كالمجاهدة الهوي (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۱۴۲) ترجمه: امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ فضیلتی به قدر جهاد ارزش معنوی ندارد و هیچ جهادی مانند مجاهده در راه غلبه بر هوای نفس نیست.

در زمینه اصلاح نفس، مراحل و مقاطع مختلف دیگری را نیز می توان ذکر کرد که به دلیل رعایت اختصار به همین مقدار بسنده می شود.

## نتیجه گیری

هدف به عنوان رکن تعیین کننده دیگر جوانب فرایند تربیت از ارکان مهم و

اجتناب‌ناپذیر آن است. این رکن در تعیین روشها، وسایل، محتوا و نیز شیوه ارزشیابی اقدامات تربیتی نقشی اساسی دارد و به عبارت دیگر معیار همه اقدامات اهداف تربیتی است. در نظام تربیتی اسلام، دستیابی به رشد و کمال، هدف غایی تلقی می‌شود و برای رسیدن به این هدف غایی تعدادی هدف از منابع دینی و روایی استخراج شده، مورد بحث قرار گرفت. این اهداف را می‌توان مراحل واسطی تلقی کرد که دستیابی بدانها راه رسیدن به هدف غایی را هموار می‌کند؛ چه اینکه رسیدن به هدف غایی بدون گذار از این مراحل امکانپذیر نخواهد بود. این اهداف عبارت است از پرورش قوه تعقل و استدلال در متربیان و بهره‌گیری از پیامبر درونی در درک امور؛ پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت در برابر مسائل اجتماعی و توجه به بعد اجتماعی وجود آدمی؛ قصد قربت در امور و ارائه جهت به همه افعال آدمی به گونه‌ای که انسان در جریان هر فعالیت خویش، گامی را به سوی هدف غایی بردارد و اصلاح و تهذیب نفس به منظور پرهیز از گرفتار آمدن در گرداب آمال و آرزوهای نفسانی و دور نشدن از مسیر اصلی تربیت. لازم به ذکر است که مقوله اهداف تربیتی مبحث گسترده‌ای است و این مقاله را تنها می‌توان تلاشی در راستای بازشناسی برخی از مهمترین این اهداف تلقی کرد.

#### منابع

- قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی‌قمشه‌ای، تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
- ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید. شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴.
- احمدی، سید احمد. اصول و روش‌های تربیت در اسلام. اصفهان: واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۳۸.
- امام سجاد (ع). صحیفه سجادیه. قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶.
- باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۰.

- برقی قمی، سیدعلی اکبر (مترجم). **درج گهر** (از سخنان فخر عالیم و سرور فرزندان آدم پیغمبر خاتم محمد(ص)). تهران: ۱۳۶۶.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد. **غررالحکم و دررالکلم**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- جعفری، علامه محمدتقی. **ترجمه نهج البلاغه**. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۹.
- جعفری، علامه محمدتقی. **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۷.
- حر عاملی (شیخ). **وسائل الشیعه**. ج ۱۱ و ۱۵، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹.
- حسینی، سیدعلی اکبر. **سیری اجمالی در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
- دشتی، محمد. **ترجمه نهج البلاغه**. قم: انتشارات مشرقین، ۱۳۷۹.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. **درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام**. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
- زمانی، مصطفی. **ترجمه نهج البلاغه**. تهران: انتشارات برهان، ۱۳۷۰.
- شریعتمداری، علی. **تعلیم و تربیت اسلامی**. تهران: نهضت زمان مسلمان، ۱۳۶۰.
- شکوهی، علامحسین. **مبانی و اصول آموزش و پرورش**. آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- شهبیدی، سیدجعفر. **ترجمه نهج البلاغه**. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- صدوق (شیخ) محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی. **من لایحضره الفقیه**. قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. **التهدیب**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- فیض الاسلام، حاج سیدعلی نقی. **ترجمه نهج البلاغه**. ج ۳، تهران: انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۵۱.
- کلینی، ثقه الاسلام. **الکافی**. ج ۱، ۲، ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- مجلسی، علامه محمد باقر. **بحارالانوار**. بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
- نوری (محدث)، میرزا حسین. **مستدرک الوسائل**. ج ۱۱، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.





پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېنډي  
پرتال جامع علوم انساني